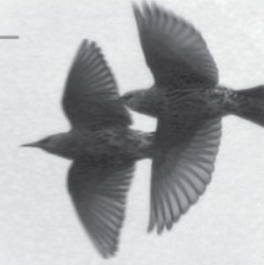


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان و نام بیداور: انقلابی که نمونه بود/
گردآورنده معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی [آستان قدس رضوی].
مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.
فروست: رهنما.
شابک: 978-600-6543-70-3
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه .
موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- ادبیات نوجوانان
موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- علل
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
شناسه افزوده: موسسه انتشاراتی قدس رضوی
رده بندی کنگره: DSR/۱۵۵۵/۱۳۹۱۵/۱۷۷الف/
رده بندی دیوبی: [ج]۸۳/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۶۶۹۱۲



۴۳ → انقلابی که نمونه بود

نویسنده: حسن ابراهیم زاده
آستان قدس رضوی
چاپ هشتم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
نشانی: حرم مطهر امام رضا (ع)، اداره پاسخگویی به سؤالات دینی
تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲
Rahnama@Aqrazavi.org

به کوشش محمدحسین پورامینی
ویراستار: محمد مهدی باقری
طراح جلد: علی بیات
طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی





پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیش‌رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.





انقلابی که نمونه بود

پاسخ به سه پرسش زیر، محتوای نوشتار حاضر است:

۱. چرا انقلاب کردیم؟
۲. با انقلاب، چه چیزهایی تغییر کرد؟
۳. انقلاب ما را به کجا می برد؟





درآمد

پاسخ‌گویی به پرسش‌های نسل سوم انقلاب، نیازمند نیم‌نگاهی به وضعیت ایران قبل و بعد از انقلاب می‌باشد. شاید این پرسش، همان نگاه کلانی باشد که هر جوان را در فضایی بزرگ، به‌بزرگی این انقلاب، قرار می‌دهد که درخور شأن جوان فهیم ایرانی باشد و آن این است: «ایران در قبل از انقلاب، در جغرافیای سیاسی و معادلات بین‌المللی و در بین اذهان عمومی جهان، در چه جایگاهی قرار داشت؟»

اگر جوان امروز ایرانی در پی دستیابی به این پاسخ، در لابه لای کتب و گفته‌های چه دوستان انقلاب و چه دشمنان مُنصف انقلاب، بگردد به پاسخی می‌رسد که آن را این‌گونه می‌توان فهرست و توصیف کرد:



۱. ایرانِ پیش از انقلاب



ایران در سیطرهٔ کامل امریکا قرار داشت و مسئولانِ رده‌بالا و حتی میانیِ آن‌را، یا مستقیم یا غیرمستقیم، سفارت امریکا بر گُرسیِ قدرت می‌نشانند. هیچ‌کس مُنکر این مسئله نیست که شاه ایران، هیچ اختیاری از خود نداشت. اسناد و خاطرات سُفرای وقتِ امریکا و حتی خانوادهٔ شاه، گویای این واقعیت تلخ و ذلت بار است.^۱

نیز، درحالی‌که در همهٔ جهان، رده‌های بالا با هم گفت و گو می‌کنند (رئیس‌جمهور با رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه با وزیر امور خارجه و سفیر با سفیر)، در کمال وقاحت و ذلت پذیری، سفیر امریکا در جایگاه رئیس‌جمهور امریکا با شاه به گو می‌نشست و

۱. تاج‌الملوک، همسر رضاخان و مادر محمدرضا پهلوی، در خاطرات خود می‌گوید: «یک‌روز، محمدرضا که خیلی ناراحت بود، به من گفت: «مادر جان، مرده‌شور این سلطنت را ببرد که من شاه و فرماندهٔ کلِّ قوا هستم؛ ولی بدون اطلاع من، هواپیماهای ما را برده اند به ویتنام.» آن موقع جنگ ویتنام بود و آمریکایی‌ها که از قدیم، در ایران قوای نظامی داشتند، هر وقت احتیاج پیدا می‌کردند، از پایگاه‌های ایران و امکانات ایران با صلاح‌دیدِ خود استفاده می‌کردند.» *خاطرات ملکهٔ پهلوی*، ص ۳۸۷.

دستورات کاخ سفید را به او دیکته می‌کرد. هزاران مستشار نظامی، نبض ارتش را به دست گرفته بودند و به سبب حضورشان در ایران «حقّ توحّش»^۱ می‌گرفتند. حتی تیمساران ایرانی در مقابل گروهبانانِ امریکایی ادای احترام می‌کردند.

۱.۱ تکبر در برابر ملت

در کنار این برخوردهای ذلیلانه حکومت با بیگانگان، شاه با حالتی متکبرانه، مردم و ارتش را بنده و خود را سایه خدا و خدایگان خطاب می‌کرد و در گفت و گوهایش از واژه «می-فرماییم» و «فرمودیم» استفاده می‌کرد. همیشه به دنبالِ خوش‌گذرانیِ خود بود و با فرستادن هواپیماهای اختصاصی، به دنبال هنرپیشه‌های زن هالیوود و رقاصه‌های اروپا، بیت‌المال را

۱. حقّ توحّش، اضافه‌مبلغ پرداختی دولت امریکا به نیروهایی بود که در مناطقی فعالیت می‌کردند که از نظر آنان، مردم آن سرزمین، وحشی و فاقد تمدن و اخلاق بودند!



خرج شب نشینی‌های خود می‌کرد.^۱

۲.۱ حیات خلوت برای امریکا و صهیونیسم

ایران کمربند امنیتی امریکا به‌شمار می‌رفت و امریکا از ارتفاعات البرز، برای برپا کردن رادارهای خود در برابر شوروی سابق و نیز از پایگاه‌های زمینی و هوایی، برای استقرار به‌موقع نیروهایش استفاده می‌کرد. ارتش ایران را نه برای دفاع از مرزها، بلکه برای ژاندارمری منطقه مسلح کرده و برای سرکوب انقلاب‌ها در

۱. در سال ۱۳۸۴، یکی از رقاصه‌های آلمانی چنین اعتراف کرد: «شاه، من و چند رقاصه دیگر را [در سال ۱۳۵۰] به کاخ خود در تهران دعوت کرد. ما به تهران رفتیم و پس از گذراندن یک شب با وی، کیسه‌ای پُر از جواهرات به ما داد.»! روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۴/۱/۱۵. نیز، حسین فردوست، در کتاب خاطرات خود، به سفر امریکا و آوردن یک هنرپیشه زن هالیوودی، با هواپیمای اختصاصی، برای شاه، اشاره می‌کند.

منطقه، آموزش داده بودند.^۱ همچنین، ایران تأمین کننده سوخت اسرائیل در برابر اعراب و مسلمانان به شمار می‌رفت و بازار ایران، مصرف کننده کالاهای شرکت‌های امریکایی بود.

۳.۱ ضدیت با باورهای مذهبی اصیل

تشیع ستیزی و دین زدایی هدف اصلی امریکا و دستگاه سلطنتی بود. هرچند که رژیم، به ظاهر، ادعای پایبندی به تشیع را داشت، دست بهائیان در عرصه سیاست و اقتصاد و فرهنگ به کلی باز بود: هویدا (نخست وزیر)، پرویز ثابتی (عنصر محوری ساواک) و... بهایی بودند. بهائیت به شدت فعالیت می‌کرد و این در حالی بود که برخی

۱. با آغاز جنگ تحمیلی، آشکار شد وسایلی که در اختیار ارتش ایران قرار دارد، تنها به درد سرکوب نهضت‌ها می‌خورد. ارتش ایران در زمان شاه، انقلاب ظفار را که بر ضد دولت عمان شکل گرفت، سرکوب کرد.



جریان‌های واپس‌گرا، چون انجمن حجتیه، با تأیید حاکمیت پهلوی، به جای مبارزه علیه هویدا و ثابتی، با پپسی کولا مبارزه می‌کردند!

۴.۱ ترویج فساد و بی بندوباری

دستگاه برای بی دین کردن مردم و جوانان از ایجاد هیچ مرکز فساد و فحشایی ابا نمی‌کرد: چاپ هزاران مجله مبتذل و رنگین‌نامه و پخش فیلم‌های مبتذل در سینما و تلویزیون کافی نبود؛ تا آن‌جا که وقاحت رژیم به جایی رسید که در جشن‌های شاهنشاهی شیراز، نمایشنامه‌خوک را اجرا کرد که در آن، بازیگران برهنه درمقابل مردم، در خیابان، عمل منافی عفت انجام می‌دادند.



۵.۱ افول جایگاه بین‌المللی

ایران نه در معادلات بین‌المللی و نه در بین دولت‌ها و نه در بین ملت‌ها، خصوصاً در بین ملت‌های مسلمان، هیچ جایگاهی نداشت؛ تا چه رسد به اینکه بتواند نقش‌آفرینی کند.

۶.۱ عقب‌ماندگی علمی

به دلیل سیاستِ باقی‌ماندن ایران به‌عنوان جامعه‌ای مصرف‌گرا و دنباله‌رو، مقوله‌ای به‌نام تحول و تولید علم در دانشگاه‌ها وجود نداشت و اگر دانشجویی به مدارج بلند علمی دست می‌یافت، تنها به لطف کوشش‌های فردی خودش بود، نه نظام آموزشی.

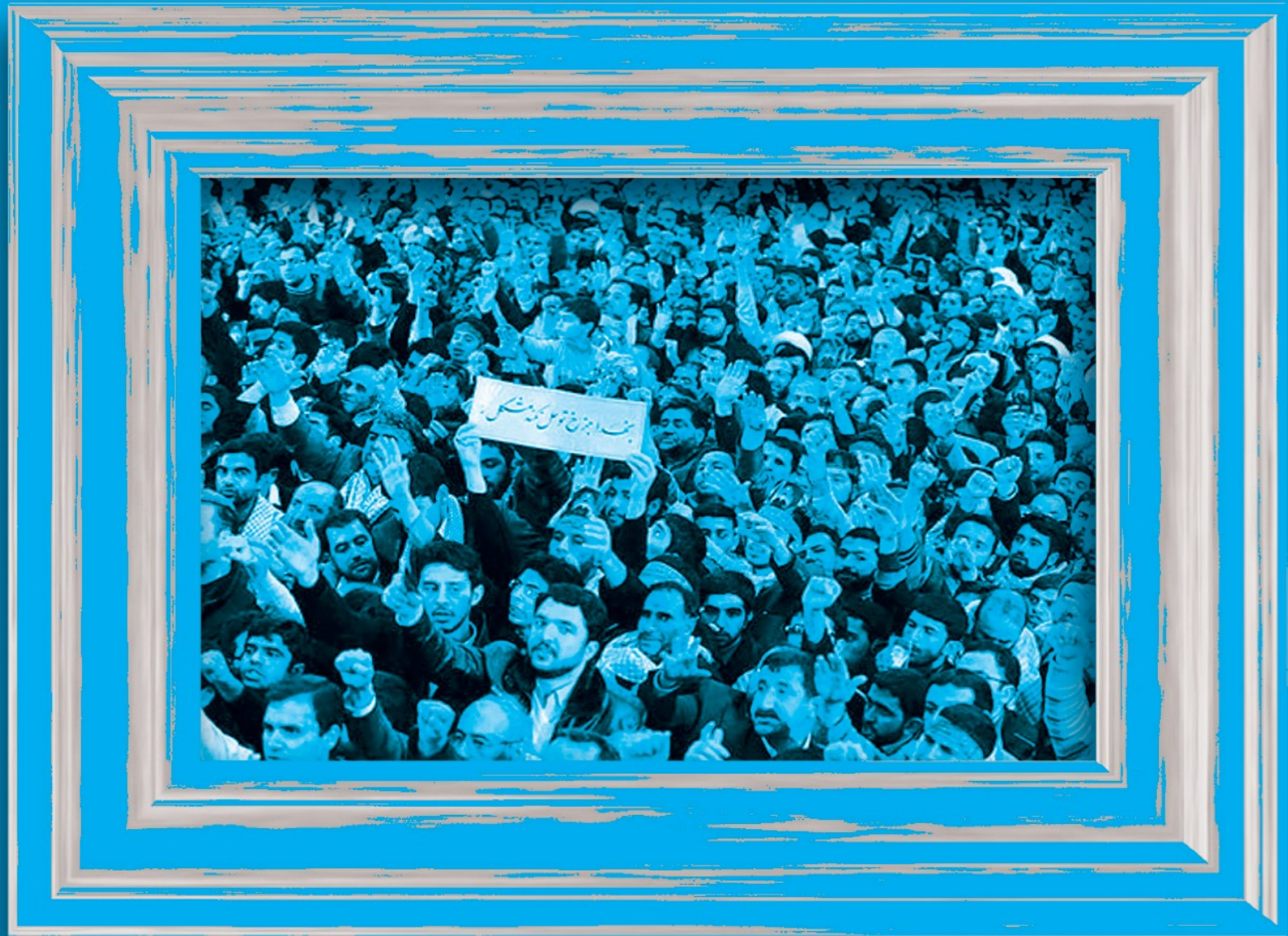
۷.۱ تبعیض و بی‌عدالتی

شکاف طبقاتی، به‌وضوح، در فاصلهٔ امکانات روستاها و شهرها مشهود بود. گویی سیاست



رژیم در این بود که اکثریت مردم روستانشین و عشایری، در فقر کامل به سر برند و این، در حالی بود که اشرف پهلوی گاه در قمارهای شبانه خود، در کاخ‌های رؤیایی، به قماربازان حرفه‌ای خارجی، شبی ۴۰ تا ۵۰ میلیون تومان می‌باخت.

۲. ایران پس از پیروزی انقلاب



کشوری که تا قبل از پیروزی انقلاب، هیچ جایگاهی در معادلات سیاسی اجتماعی جهان، در بین ملل مسلمان و غیرمسلمان نداشت، با پیروزی انقلاب نه تنها به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی دست یافت، بلکه معادلات بین‌المللی را با تولد ایدئولوژی جدیدی بر هم زد و تأثیر ژرفی بر جهان برجای نهاد. اکنون به نمونه‌هایی از آن، اشاره می‌کنیم:

۲.۱ احیای تشیع و بیداری اسلامی

انقلاب اسلامی احیای دوبارهٔ مکتب تشیع را موجب شد. قبل از پیروزی انقلاب، وقتی به سرهنگ قذافی به‌هنگام مفقودشدن امام موسی صدر، در لیبی، گفتند امکان دارد شیعیان مخالفت کنند، او با تکبر و تبختر فراوان گفت: «شیعه عددی نیست و جز قبیله‌ای کم تعداد، شیعه‌ای وجود ندارد.» این جایگاه شیعه، پس از انقلاب چنان شد که امروزه، همین قذافی ادعای انتساب به حضرت علی علیه السلام می‌کند!



با پیروزی انقلاب و محوریت یافتن ایران به عنوان قطب اقتدار سیاسی شیعه، شیعیان از حمایت معنوی ایران بهره‌مند شدند و توانستند شجاعانه، به برگزاری مراسم مذهبی خود روی آورند: احیای دوباره شعائر اسلامی، چون نماز جمعه و جماعات و برگزاری مراسم دعای کمیل و ندبه و اعتکاف، فرهنگ تشیع را به خاستگاه اصلی خود بازگرداند. تأسیس دهها حوزه علمیه در اقصی نقاط دنیا از یک سو و موضعگیری‌های شجاعانه مسئولان نظام در مقابل استکبار جهانی، گرایش میلیون‌ها مسلمان و غیرمسلمان را خصوصاً در امریکای لاتین، افریقا و جنوب شرقی آسیا موجب شد. به تعبیر مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی، بزرگترین دستاورد حرکت امام خمینی علیه السلام شناساندن مکتب تشیع به جهانیان بود.

انقلاب اسلامی دستاورد دیگری در بین ملل اسلامی داشت و آن بیداری اسلامی و آغاز جنبش‌های اسلامی و خیزش دوباره مردم فلسطین بود.



۲.۲ پیوند سیاست با دیانت

پیوند دین با سیاست و ارائه نظریه ولایت فقیه و عینیت یافتن این نظریه در جامعه، نه تنها بیانگر پویایی و به‌روزرودن مکتب تشیع شد، بلکه به رقیبی جدی برای دو تفکر انسان مدار غرب و حکومت مدار شرق شد. از همین رو، انقلاب ایران به‌عنوان انقلابی مادر در کنار دو انقلاب مادر دیگر، یعنی انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹) و انقلاب اکتبر روسیه (۱۹۱۷)، قرار گرفت؛ با این تفاوت که انقلاب اسلامی تفکر خدامحورانه را وارد عرصه بین‌الملل کرد. این انقلاب، با ویژگی‌هایی چون عدالتخواهی و استکبارستیزی، آن دو انقلاب بزرگ سوسیالیستی و لیبرالیستی را با چالش جدی روبه‌رو ساخت و به‌همین سبب، برای اولین بار، هم بلوک غرب و هم بلوک شرق برای به‌زانو درآوردن یک انقلاب، به تفاهم رسیدند و توطئه‌های خود را



آغاز کردند؛^۱ چراکه هر انقلابی در دنیا شکل می‌گرفت، یا ریشه در تفکر مارکسیستی داشت یا لیبرالیستی؛ و این، اولین انقلابی بود که بدون تکیه بر ابرقدرتی، نه‌تنها پیروز شد، بلکه انقلاب‌ها و خیزش‌هایی از دامان او زاده شد.

امروزه، ایران منادی توحید و عدالت، یعنی رسالت همه‌ پیامبران الهی، است و از زاویه‌ای با انسان‌های خسته از ایسم‌های دست‌سازِ بشر، سخن می‌گوید که هم با فطرت انسان و هم با آینده‌تاریخ، همخوانی دارد.

۱. برای اولین بار، انقلابی شاهد انواع کودتای چپ‌گرا (حزب توده و ناخدا افضلی) و کودتاهای راست‌گرا (کودتای نوژه و سلطنت طلبی) بود. انقلاب اسلامی مخالفینی داشت که هیچ انقلاب دیگری روبه روی خود نداشت: مخالفان اخلاقی و صاحبان مراکز فساد و فحشا، مافیای مواد مخدر، مافیای تجارت انسان، گروه‌های تندرو (سازمان‌های منافقین)، مخالفان درون‌حوزوی (خلق مسلمان)، وابستگی رئیس‌جمهور بنی‌صدر و... .

۳.۲ ایران اسلامی؛ ابرقدرت نوین

به جرأت می‌توان گفت، نفوذ سیاسی و معنوی فراوانی که انقلاب اسلامی ایران، امروز، در دل ملت‌ها دارد و نیز نقشی که در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی ایفا می‌کند، در تاریخ ایران زمین، بی‌نظیر است. امروز، ایران اسلامی معادله‌ای محوری در تحولات جهانی رقم زده است و در محافل سیاسی، از آن به‌عنوان ظهور «نو ابرقدرتی» در جهان یاد می‌کنند.

امروزه، انقلاب اسلامی به نقطه‌امیدی برای مسلمانان و حتی مظلومان و پابرهنگان سراسر عالم تبدیل شده است^۱ و با پشت‌سرنهاندن گذرگاه‌های دشواری که هر کدام از آنها، می‌توانست

۱. نلسون ماندلا، رهبر کنگره ملی آفریقا، پس از رهایی آفریقا از آپارتاید گفت: «انقلاب اسلامی ایران، تحت رهبری امام خمینی (ره)، امیدهای فراوانی را برای قیام مردم آفریقای جنوبی، در مبارزه با بی‌عدالتی، به‌همراه داشته است و بدون تردید، تاریخ هرگز نقش ایران اسلامی را فراموش نخواهد کرد.» *جمهوری اسلامی*، ۱۴/۵/۱۳۷۱. امروزه، ادبیات امام دربرابر نظام سلطه در جهان، به شعار همه پابرهنگان و مظلومان جهان تبدیل شده است. امروزه، نه‌تنها مسلمانان جهان، بلکه رؤسای جمهور جهان، نظیر رابرت موگابه (رئیس‌جمهور زیمبابوه) و انقلابیون امریکای لاتین و حتی کشیش‌هایی که به‌مخالفت علیه نظام سرمایه‌داری



انقلابی را از پای درآورد، سربلندانه حضور خود را به‌عنوان نظامی مقتدر و منادی فرهنگ، تثبیت کرده است. این فرهنگ تنها نسخه نجات بشریت از بن بست‌های موجود جهان امروز به‌شمار می‌رود؛ فرهنگی که ریشه در عاشورای سرخ و انتظار پویا دارد. به‌همین سبب است که کارشناسان جهانی بر این باورند که در سال ۲۰۲۰م، جهان دو سر پیدا خواهد کرد و نبرد اصلی میان این دو سر است: یکی اسلام، با محوریت ایران و دیگری، لیبرال‌دمکراسی با محوریت امریکا. چون موجودیت یکی از این دو فرهنگ، بستگی به نفی دیگری دارد، حرکت به‌سمتی می‌رود که باید سر یکی از این دو، قطع شود. این کارشناسان تمام لشکرکشی‌های غرب به خاورمیانه و اشغال عراق و افغانستان و فشارهای بین‌المللی به ایران، به بهانه‌های واهی نظیر مسئله انرژی هسته‌ای، را شکست تاکنونی لیبرال‌دمکراسی در برابر ایدئولوژی

برخاسته اند، از امریکا با نام «شیطان بزرگ» یاد می‌کنند.



انقلاب اسلامی تحلیل می‌کنند تا شاید، پیروز این میدان در آن سال، لیبرال دمکراسی باشد.

۴.۲ شکوفایی علمی

رویش‌های علمی و نشستن بر کرسی‌های نخست‌جهانی در المپیادهای علمی توسط جوانان، دستیابی به فناوری هسته‌ای، سلول‌های بنیادی و ثبت بسیاری از اختراعات و ابتکارات به‌نام جوانان این سرزمین، در کنار پرتاب ماهواره و اختراعات نوین در صنایع نظامی و هوافضا، برای کشوری که در آغاز جنگ تحمیلی توان تولید حتی سیم‌خاردار را هم نداشت، یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی است.

۵.۲ تحول معنوی

به یقین، تحول درونی و معنوی مردم ایران، در انقلاب اسلامی، بزرگترین دستاورد انقلاب بود؛ تحولی که امام راحل علیه السلام از آن، چنین یاد می‌کند: «من کراراً این مطلب را گفته‌ام که این نهضت، تحولاتی را آورده است؛ این تحولاتِ روحی و انسانی، در نظر من اهمیتش بسیار بیشتر از این پیروزی درمقابل شاه سابق و قدرت‌های بزرگ است. در ظرف مدت کوتاهی، ملت ما متحول شد. به حساب نام، از یک حال به حالِ مقابل او. این تحول را نمی‌شود هیچ اسمی رویش گذاشت؛ غیر از اینکه این تحول، تحولی بود که با دست خدا عز و جلاله انجام گرفت؛ یعنی هیچ بشری قدرت این معنا را ندارد.»^۱

امام راحل علیه السلام تحول معنوی و درونی جوانان را در دلِ آن همه مظاهر فساد و فحشا جزو

۱. در جست وجوی راه از کلام امام، دفتر دهم، ص ۳۸۱.



۲۷

انقلابی که نمونه بود

الطاف خداوند عز و جل می‌داند و می‌فرماید: «این تحولی که در جوان‌های ما پیدا شد، این دست خدا عز و جل بود. بشر نمی‌تواند در ارواح مردم این‌طور مؤثر باشد.»^۱

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۱.



۳. ایران اسلامی و تمدن بشری



امروزه، ایران اسلامی دیگر ایرانی منطقه‌ای نیست؛ بلکه ایرانی است که به برکت انقلاب، در جای جای جهان نقش‌آفرینی می‌کند و مؤلفه‌های تبدیل به تمدنی بزرگ را داراست؛ مؤلفه‌هایی نظیر:

۱.۳ داشتن سرمایه اجتماعی مهمی مانند جوان که می‌توان با نیروی آن، هر مانعی را در عرصه‌های گوناگون برداشت؛

۲.۳ دارا بودن قدرت تولید علم در بین جوانان که می‌توان با آن، قله‌های بلند علم و دانش را فتح کرد؛

۳.۳ داشتن پیشینه بس کهن تمدنی که به جوان امروز، انگیزه روحی و نشاط در دفاع از میراث ماندگار خود را می‌دهد؛

۳.۴ از همه مهمتر، برخورداری از مکتبی پویا و پاسخگو که نیازهای مادی و معنوی جهانیان را تأمین می‌کند.

امروزه، ایران اسلامی با همه فشارهای سخت نظامی و اقتصادی، بر بلندای قله عزت

ایستاده است و فریادگرِ پیام قرآن و عترت است و پایه‌های تمدنی را بنیان نهاده است که پذیرای قدوم نورانی امام‌زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

مارگارت تاچِر، نخست‌وزیر وقت انگلستان، از قدرت ایران چنین یاد می‌کند: «ما غربی‌ها در دههٔ ۱۹۸۰، از وسایل نظامی و ابزار جنگی شوروی و اقمارش واهمه نداشتیم، زیرا اگر بلوک شرق و اعضای پیمان ورشو، به سلاح‌های نظامی مجهز بوده و به ادوات مخرب و ویرانگر مسلح هستند، ما نیز به سلاح‌های مدرن و پیشرفته‌ای مسلح و مجهزیم؛ اما از حضور فرهنگ اسلامی انقلاب ایران، می‌ترسیم.»^۱ بی‌شک، قدرت ایران اسلامی، همان فرهنگ نابِ برخاسته از قرآن و عترت است و نسل جوان امروز، این ودیعه الهی را باید به نسل آینده منتقل کند.

۱. انقلاب اسلامی ایران در چشم‌انداز دیگران، ص ۱۱۷.



برای مطالعه بیشتر

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلال الدین مدنی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۲، ۱۳۸۰.
۲. تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، عبدالوهاب فراتی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
۳. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، حسین فردوست، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۲.
۴. حدیث پیمانہ، حمید پارسانیا، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۰.
۵. قیام جاودانه، محمد رضا حکیمی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۲.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.